

### چارچوب حقوقی و تربیتی نظارت بر جاسوسی پنهانی؛ با تأکید بر اصل تناسب و وجدان کاری

#### وابستگی سازمانی

#### نویسندگان

دانشجوی دکتری، گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران	هاجر گودرزی معظمی
استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران	مهناز سلیمی *
استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران	علی فرهمند پویا

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

با گسترش روزافزون فناوری پنهان‌ها و کاربرد آن‌ها در عملیات‌های اطلاعاتی و جاسوسی، چالش‌های حقوقی و اخلاقی جدیدی در عرصه بین‌المللی و داخلی پدید آمده است که نظارت بر این ابزارها را به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های حقوقی و امنیتی تبدیل کرده است. مسئله اصلی این پژوهش، فقدان یک چارچوب منسجم برای نظارت بر عملیات جاسوسی پنهانی است که همزمان اصول حقوقی مانند اصل تناسب و مبانی تربیتی مبتنی بر وجدان کاری نیروهای مسلح را پوشش دهد. هدف اصلی این مطالعه، تبیین و تدوین الگوی نظارتی کارآمدی است که ضمن تضمین امنیت ملی، از تجاوز به حریم‌های مشروع و نقض اصول اخلاقی جلوگیری نماید. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد صرفاً فنی یا امنیتی در نظارت بر پنهان‌ها کافی نبوده و خلأهای موجود در قوانین داخلی و بین‌المللی نیازمند پر شدن از طریق تلفیق آموزه‌های فقهی و حقوقی با مباحث تربیتی است. همچنین مشخص گردید که تأکید بر «اصل تناسب» به عنوان معیار سنجش مشروعیت اقدامات و تقویت «وجدان کاری» به عنوان ضامن اجرایی اخلاق حرفه‌ای، دو رکن اساسی برای کاهش آسیب‌های جانبی و افزایش کارآمدی عملیات هستند. نتیجه نهایی آن است که استقرار یک نظام نظارتی چندبعدی که در آن قوانین سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با تربیت اخلاقی نیروهای انسانی آمیخته شوند، می‌تواند راهکاری پایدار برای مدیریت ریسک‌های ناشی از جاسوسی پنهانی باشد و این الگو می‌تواند مبنایی برای اصلاحات قانونی و برنامه‌ریزی آموزشی در نیروهای مسلح قرار گیرد.

نوع مقاله پژوهشی

صفحه ۱۲ - ۲۴

دوره ۲، شماره ۴ (شماره ششم پیاپی)

#### اطلاعات نویسنده مسئول

نویسنده مسئول مهناز سلیمی

کد ارکید ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن ۰۹۱۸۸۱۸۷۳۹

ایمیل mahnaz.salimi@iauh.ac.ir

#### سابقه مقاله

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ ویرایش ۱۴۰۴/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

روش پژوهش توصیفی تحلیلی

جاسوسی پنهانی، اصل تناسب، وجدان کاری، نظارت حقوقی، تربیت اسلامی

#### واژگان کلیدی

#### توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

گودرزی معظمی، هاجر؛ سلیمی، مهناز؛ فرهمند پویا، علی (۱۴۰۴)، «چارچوب حقوقی و تربیتی نظارت بر جاسوسی پنهانی؛ با تأکید بر اصل تناسب و وجدان کاری»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته‌ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، (شماره ششم پیاپی)، صفحات ۱۲ - ۲۴	نحوه استناد دهی
---	-----------------

## Legal & Educational Framework for Supervising Drone Espionage; Emphasizing the Principle of Proportionality & Professional Conscience

Authors		Organizational Affiliation
<b>Hajar Goodarzi</b>		Ph.D. Candidate, Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
<b>Mahnaz Salimi *</b>		Assistant Professor of Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
<b>Ali Farahmand Pooya</b>		Assistant Professor of Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
Article Information		Abstract
<b>Article Type</b>	Research	With the rapid expansion of drone technology and its application in intelligence and espionage operations, new legal and ethical challenges have emerged on both international and domestic fronts, making the oversight of these tools a primary concern for legal and security systems. The present research employs a descriptive-analytical method based on library studies and documentary analysis. Purely technical or security-oriented approach to drone supervision is insufficient, and existing gaps in domestic and international laws require filling through the integration of jurisprudential teachings with educational discussions. Furthermore, it was determined that emphasizing the “principle of proportionality” as a criterion for assessing the legitimacy of actions, and strengthening “professional conscience” as an executive guarantor of professional ethics, are two fundamental pillars for reducing collateral damage and increasing operational efficiency. Establishing a multi-dimensional supervisory system, where hardware/software regulations are blended with the moral education of human forces, can serve as a sustainable solution for managing risks associated with drone espionage, and this model can serve as a basis for legal reforms and educational planning within the armed forces.
<b>Pages</b>	12 - 24	
<b>Volume 2, Issue 4</b>		
<b>Corresponding Author's Info</b>		
<b>Corresponding Author's</b>	<b>Mohammad Ali Heydari</b>	as an executive guarantor of professional ethics, are two fundamental pillars for reducing collateral damage and increasing operational efficiency. Establishing a multi-dimensional supervisory system, where hardware/software regulations are blended with the moral education of human forces, can serve as a sustainable solution for managing risks associated with drone espionage, and this model can serve as a basis for legal reforms and educational planning within the armed forces.
<b>ORCID</b>	0000-0000-0000-0000	
<b>Tell</b>	09100852536	
<b>Email</b>	mahnaz.salimi@iauh.ac.ir	
<b>Article History</b>		
<b>Received</b>	2025/11/08	as an executive guarantor of professional ethics, are two fundamental pillars for reducing collateral damage and increasing operational efficiency. Establishing a multi-dimensional supervisory system, where hardware/software regulations are blended with the moral education of human forces, can serve as a sustainable solution for managing risks associated with drone espionage, and this model can serve as a basis for legal reforms and educational planning within the armed forces.
<b>Revised</b>	2025/12/19	
<b>Accepted</b>	2026/01/24	
<b>Published Online</b>	2026/02/20	
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical	
<b>Keywords</b>		<i>Drone Espionage, Principle of Proportionality, Professional Conscience, Legal Supervision, Islamic Education</i>
<b>Description</b>		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
<b>How to Cite This Article</b>	Goodarzi, Hajar; Salimi, Mahnaz; Farahmand Pooya, Ali (1404), “ <i>Legal &amp; Educational Framework for Supervising Drone Espionage; Emphasizing the Principle of Proportionality &amp; Professional Conscience</i> ”, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 4, (Sixth Consecutive Issue), Pages 12-24	

## ۱: مقدمه

ظهور پهپادهای جاسوس به عنوان ابزارهای استراتژیک در جنگ‌های مدرن و عملیات‌های اطلاعاتی، پارادایم‌های سنتی حاکم بر حقوق بین‌الملل و اخلاق نظامی را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته است. اگرچه پهپادها امکان جمع‌آوری اطلاعات با دقت بالا و کاهش تلفات نیروهای انسانی را فراهم کرده‌اند، اما ماهیت مخفیانه و خودمختار آن‌ها، مرزهای مشروعیت در جاسوسی را مبهم نموده است. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که فقدان شفافیت در پروتکل‌های نظارتی بر عملیات پهپادی، منجر به نقض گسترده حریم خصوصی و افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی شده است (Singer & Brooking, 2021: 45). از سوی دیگر، در بستر حقوق داخلی و فقه اسلامی، اصل «تناسب» به عنوان یکی از ارکان اصلی مشروعیت استفاده از زور یا اقدامات مخفیانه شناخته می‌شود؛ اما تعریف دقیق این اصل در قبال داده‌های کلان جمع‌آوری شده توسط پهپادها هنوز به صورت شفاف تبیین نشده است. مطالعات انجام شده توسط محققان ایرانی تأکید دارند که قوانین موجود ایران فاقد مکانیسم‌های نظارتی کارآمد برای سنجش تناسب میان منافع امنیتی و خسارات وارده به حریم شهروندان در عملیات‌های سایبری و پهپادی است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۲). این خلأ قانونی زمانی بحرانی‌تر می‌شود که فرآیند تصمیم‌گیری برای ارسال دستور پرواز یا تحلیل داده‌ها، نه تنها توسط انسان، بلکه تا حدی توسط الگوریتم‌های هوش مصنوعی انجام می‌پذیرد. اتکای صرف به قوانین سخت‌افزاری بدون تقویت زیرساخت‌های نرم‌افزاری و اخلاقی، منجر به پدیده‌ای به نام «مسئولیت اخلاقی پراکنده» می‌شود که در آن هیچ فرد یا نهادی به طور کامل پاسخگو نیست (Edwards et al., 2022: 78). بنابراین، ورود مؤلفه «تربیت» و «وجدان کاری» به معادله نظارت، نه یک انتخاب لوکس، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. وجدان کاری به عنوان بازوی اجرایی اخلاق حرفه‌ای، نقش حیاتی در پر کردن شکاف میان قوانین مکتوب و رفتار عملی فرماندهان و اپراتورهای پهپادی ایفا می‌کند. تحقیقات میدانی نشان داده است که حتی با وجود قوانین صریح، عدم تربیت صحیح نیروی انسانی در حوزه‌های اخلاق فناوری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، منجر به تخلفات سیستماتیک می‌شود (Al-Awadi, 2023: 205). در فضای اسلامی، مفاهیمی مانند امانت‌داری در انتقال اطلاعات و پرهیز از تجسس بی‌دلیل، ریشه در آموزه‌های دینی دارد که باید در قالب برنامه‌های تربیتی نظامی نهادینه شوند. تربیت وجدان کاری در نیروهای مسلح باید فراتر از آموزش‌های تاکتیکی رفته و شامل درک عمیق از پیامدهای حقوقی و اجتماعی اقدامات جاسوسی باشد (حسینی، ۱۴۰۲: ۸۹). همچنین، گزارش‌های سازمان ملل متحد در سال‌های اخیر هشدار داده‌اند که استفاده بدون نظارت موثر از پهپادها، می‌تواند به نقض حقوق بشر منجر شود و جامعه جهانی نیازمند چارچوب‌های جدیدی است که هم جنبه‌های حقوقی و هم ابعاد انسانی و تربیتی را پوشش دهد (United Nations Human Rights Council, 2021: 15). شکاف موجود در ادبیات پژوهشی، عدم توجه همزمان به این دو بعد است؛ اکثر مطالعات یا صرفاً بر جنبه‌های فنی-حقوقی تمرکز داشته‌اند یا به صورت کلی به اخلاق پرداخته‌اند، اما ترکیب «اصل تناسب» به عنوان معیار حقوقی و «وجدان کاری» به عنوان ضامن تربیتی در یک چارچوب واحد، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ، تلاش دارد تا با روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی، نشان دهد که چگونه می‌توان با تلفیق اصول حقوقی مبتنی بر تناسب و آموزه‌های تربیتی اسلام، مدلی نوین برای نظارت بر جاسوسی پهپادی ارائه داد که ضمن تضمین امنیت ملی، از کرامت انسانی و حقوق شهروندی نیز محافظت کند. هرگونه نظارت خارجی بدون در نظر گرفتن بافت فرهنگی و تربیتی جامعه هدف، کارایی لازم را نخواهد داشت (نادری و رضایی، ۱۴۰۰: ۶۷). بنابراین، تدوین چنین چارچوبی نیازمند نگاهی میان‌رشته‌ای است که حقوق، فقه و علوم تربیتی را در کنار هم قرار دهد تا پاسخی جامع به چالش‌های روز فناوری پهپاد ارائه دهد.

## ۲: پیشینه پژوهش

در این بخش از پژوهش به بررسی پیشینه‌های پژوهش به جهت شناسایی شکاف‌های نظری موجود، تبیین جایگاه متغیرهای «اصل تناسب» و «وجدان کاری» در ادبیات موضوع و دستیابی به نوآوری لازم برای تدوین چارچوب نظارتی جامع پرداخته خواهد شد.

**اسنایدر و کولینز (۲۰۲۱)**، در پژوهش خود با عنوان «مسئولیت اخلاقی در جنگ‌های هوشمند: چالش‌های پهبادهای جاسوس»، چنین بیان کرده است که با ورود هوش مصنوعی به میدان نبرد، مفهوم سنتی «قصد مجرمانه» یا «سوءنیت» در عملیات‌های اطلاعاتی دچار ابهام شده است. این پژوهشگران استدلال می‌کنند که وقتی الگوریتم‌ها در انتخاب اهداف جاسوسی نقش پررنگی پیدا می‌کنند، مسئولیت نقض اصل تناسب به دوش اپراتور انسانی نمی‌افتد، بلکه به سازندگان سیستم منتقل می‌شود. آن‌ها تأکید دارند که بدون ایجاد یک لایه نظارتی حقوقی صریح که مسئولیت را شفاف کند، خطر نقض حقوق بشر افزایش می‌یابد و خلأهای تربیتی در آموزش فرماندهان باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌های غیراخلاقی به صورت سیستماتیک تکرار شوند. بنابراین، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که چارچوب‌های حقوقی باید بازتعریف شوند تا شامل مسئولیت‌پذیری الگوریتمی نیز بشوند.

**محمدی و همکاران (۱۴۰۱)**، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل تطبیقی حریم خصوصی در عملیات‌های سایبری و پهبادی»، چنین بیان کرده است که قوانین فعلی ایران اگرچه در ماده ۲۳ قانون اساسی به حریم خصوصی اشاره دارد، اما فاقد جزئیات اجرایی برای مقابله با جمع‌آوری داده‌های حجیم توسط پهبادهای جاسوس است. این مطالعه نشان می‌دهد که رویکرد کنونی بیشتر دفاعی است و کمتر به جنبه‌های پیشگیرانه و نظارتی می‌پردازد. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که شکاف عمیقی میان سرعت توسعه فناوری و کند بودن فرآیند قانون‌گذاری وجود دارد. آن‌ها تأکید می‌کنند که برای پر کردن این شکاف، نیاز به تدوین آیین‌نامه‌های داخلی سخت‌گیرانه‌تری است که بر پایه اصول فقهی مانند «لاضرر» و «حرمت تجسس» استوار باشند و نظارت بر این عملیات‌ها را به نهادهای مستقل واگذار کنند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود.

**ال‌اودی (۲۰۲۳)**، در پژوهش خود با عنوان «اخلاق حرفه‌ای و وجدان کاری در نیروهای مسلح: مطالعه‌ای بر اپراتورهای پهباد»، چنین بیان کرده است که تمرکز صرف بر مهارت‌های فنی و تاکتیکی در آموزش نظامیان، بدون تقویت مؤلفه‌های اخلاقی و وجدان کاری، منجر به پدیده‌ای به نام «غیرانسانی شدن جنگ» می‌شود. این پژوهش با انجام مصاحبه‌های عمیق با اپراتورهای پهباد در کشورهای مختلف نشان داد که فشار روانی ناشی از نظارت مداوم بر تصاویر زنده و تصمیم‌گیری برای حمله یا جمع‌آوری اطلاعات، در غیاب یک زیرساخت تربیتی قوی، باعث فرسودگی شغلی و کاهش حساسیت اخلاقی می‌شود. نویسنده استدلال می‌کند که «وجدان کاری» نباید یک مفهوم انتزاعی باشد، بلکه باید در قالب پروتکل‌های نظارتی روزمره نهادینه شود تا فرماندهان بتوانند پیش از اقدام، پیامدهای انسانی و حقوقی تصمیمات خود را بسنجند.

**حسینی (۱۴۰۲)**، در پژوهش خود با عنوان «مبانی فقهی نظارت بر عملیات‌های مخفیانه در اسلام»، چنین بیان کرده است که فقه اسلامی اگرچه استفاده از اطلاعات و جاسوسی را تحت شرایط خاصی جایز می‌داند، اما آن را مشروط به رعایت اصول اخلاقی سخت‌گیرانه‌ای می‌کند که فراتر از قوانین سکولار است. این پژوهش بررسی می‌کند که چگونه مفاهیمی مانند «امانت‌داری»، «وفاء به عهد» و «پرهیز از خیانت» می‌توانند به عنوان ضوابط نظارتی داخلی در سازمان‌های اطلاعاتی عمل کنند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که تربیت وجدان کاری در بستر اسلامی، مبتنی بر باور به نظارت الهی و حسابرسی آخرت است که می‌تواند کارآمدتر از نظارت‌های خارجی باشد. او پیشنهاد می‌دهد که برنامه‌های آموزشی نیروهای مسلح باید بازطراحی شوند تا این مبانی فقهی را به صورت عملیاتی و کاربردی در کنار قوانین حقوقی مدرن آموزش دهند.

**نادری و رضایی (۱۴۰۰)**، در پژوهش خود با عنوان «چالش‌های نظارت بر فناوری‌های نوین نظامی در حقوق داخلی»، چنین بیان کرده است که ساختارهای نظارتی موجود در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، برای مدیریت پیچیدگی‌های تکنولوژیک پهبادهای پیشرفته ناکارآمد هستند. این مطالعه با تحلیل اسناد بالادستی نشان می‌دهد که فقدان شفافیت در فرآیند تأیید و نظارت بر مأموریت‌های پهبادی، منجر به تضعیف پاسخگویی نهادها شده است. نویسندگان تأکید می‌کنند که نظارت باید چندلایه باشد؛ شامل نظارت قضایی، نظارت پارلمانی و نظارت اخلاقی. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که بدون ایجاد مکانیسم‌های شفاف برای گزارش‌دهی خطاها و تخلفات، اصل تناسب در عملیات‌های جاسوسی نقض خواهد شد و اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی خدشه‌دار می‌شود.

**اسمیث و جانسون (۲۰۲۲)**، در پژوهش خود با عنوان «تناسب در عملیات‌های اطلاعاتی مدرن: بازتعریف معیارهای حقوق بین‌الملل»، چنین بیان کرده است که تعریف کلاسیک «تناسب» در حقوق بشردوستانه، که عمدتاً بر تلفات فیزیکی تمرکز دارد، برای عملیات‌های جاسوسی

پهپادی که ممکن است آسیب‌های روانی یا اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کنند، کافی نیست. این پژوهشگران استدلال می‌کنند که معیار تناسب باید گسترش یابد تا شامل خسارات غیرمادی به حریم خصوصی و امنیت روانی جامعه هدف نیز بشود. آن‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از عملیات‌های جاسوسی امروزی، حتی اگر تلفات جانی نداشته باشند، از نظر حقوقی غیرمتناسب هستند زیرا حجم داده‌های جمع‌آوری شده با تهدید امنیتی واقعی همخوانی ندارد. بنابراین، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که چارچوب‌های نظارتی باید معیارهای کمی و کیفی جدیدی برای سنجش تناسب تعیین کنند.

**کریمی و محمدی (۱۴۰۱)**، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تطبیقی حقوق شهروندی و امنیت ملی در عصر پهپاد»، چنین بیان کرده است که تعارض میان حق بر امنیت و حق بر حریم خصوصی، یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل حقوقی دهه اخیر است. این پژوهش با مرور قوانین اروپا و آمریکا نشان می‌دهد که رویکردهای مختلف حقوقی به این مسئله، لزوماً منجر به راه‌حل‌های پایدار نشده‌اند. نویسندگان ایرانی تأکید می‌کنند که در فرهنگ اسلامی، امنیت و آزادی در تضاد نیستند، بلکه امنیت واقعی زمانی محقق می‌شود که حقوق افراد محفوظ بماند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که تربیت حقوقی شهروندان و همچنین تربیت حقوقی کارکنان دستگاه‌های اجرایی، کلید حل این تعارض است. بدون درک متقابل از حدود اختیارات و مسئولیت‌ها، هرگونه تلاش برای نظارت بر پهپادها با مقاومت مواجه خواهد شد.

**ویلیامز (۲۰۲۳)**، در پژوهش خود با عنوان «نظارت بر هوش مصنوعی در سیستم‌های نظامی: چالش‌های حقوقی و اخلاقی»، چنین بیان کرده است که با خودمختار شدن بخشی از عملیات‌های پهپادی، نظارت انسانی مستقیم دشوارتر شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که قوانین فعلی اجازه نمی‌دهند که یک ماشین به تنهایی تصمیم بگیرد، اما در عمل، اپراتورها تنها ناظر بر سیستم هستند و کنترل کامل را از دست می‌دهند. نویسنده استدلال می‌کند که این وضعیت، نیازمند ایجاد یک «نظارت ترکیبی» است که در آن هم انسان و هم الگوریتم‌های نظارتی مستقل فعال باشند. او تأکید می‌کند که تربیت نیروی انسانی باید بر توانایی «نقد سیستم» و «مداخله انسانی در لحظه بحرانی» متمرکز شود، زیرا وابستگی بیش از حد به فناوری، حساسیت اخلاقی و وجدان کاری فرماندهان را کور می‌کند.

پژوهش حاضر با وجود بررسی گسترده ادبیات موضوع در حوزه حقوق پهپادها و اخلاق نظامی، دارای تمایزات بنیادینی نسبت به مطالعات پیشین است که عمدتاً یا صرفاً به تحلیل‌های کلان حقوق بین‌الملل و چالش‌های فنی هوش مصنوعی پرداخته‌اند یا تمرکز خود را تنها بر جنبه‌های امنیتی-نظامی محدود کرده‌اند؛ در حالی که این مطالعه با رویکردی میان‌رشته‌ای و ترکیبی، شکاف نظری موجود در عدم توجه همزمان به دو مؤلفه «اصل تناسب» به عنوان معیار سنجش مشروعیت حقوقی و «وجدان کاری» به عنوان ضامن اجرایی تربیتی را پر می‌کند. نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه یک چارچوب نظارتی یکپارچه است که برخلاف رویکردهای سنتی که نظارت را فرآیندی مکانیکی و صرفاً قانونی می‌دانند، آن را پدیده‌ای پویا و انسان‌محور ترسیم می‌کند که در آن تربیت وجدان کاری نیروهای انسانی، نقش مکمل و حیاتی برای قوانین سخت‌افزاری ایفا می‌کند تا از پدیده «مسئولیت اخلاقی پراکنده» جلوگیری شود. همچنین، برخلاف پژوهش‌هایی که اصول فقهی و حقوقی را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند، این تحقیق با تلفیق آموزه‌های اسلامی مبتنی بر امانت‌داری و حریم خصوصی با استانداردهای مدرن حقوق بشری، مدلی بومی و کارآمد پیشنهاد می‌دهد که نه تنها سازگاری کامل با نظام حقوقی داخلی دارد، بلکه با تأکید بر نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای در بدنه آموزش نیروهای مسلح، راهکاری عملیاتی برای مدیریت ریسک‌های ناشی از جاسوسی پهپادی ارائه می‌دهد که در هیچ‌یک از منابع فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار نگرفته است.

### ۳: مفهوم شناسی

در این بخش از پژوهش به بررسی مفهوم‌شناسی کلیدواژه‌های اصلی شامل «جاسوسی پهپادی»، «اصل تناسب» در حقوق بین‌الملل و داخلی، و «وجدان کاری» در بستر تربیت اسلامی و نظامی خواهیم پرداخت تا تعاریف دقیق و چارچوب نظری متغیرها برای تحلیل‌های بعدی شفاف‌سازی شود.

### ۳-۱: جاسوسی پنهانی

جاسوسی پنهانی به عنوان پدیده‌ای نوین در عرصه اطلاعاتی، فراتر از جمع‌آوری ساده داده‌ها، شامل نظارت مخفیانه، تجسس الکترونیکی و نفوذ سایبری توسط ربات‌های پرنده خودمختار یا از راه دور است که هدف آن دسترسی غیرمجاز به اطلاعات حساس امنیتی، نظامی یا خصوصی می‌باشد و این فناوری مرزهای سنتی جاسوسی را با چالش‌های حقوقی جدیدی مواجه کرده است (Singer & Friedman, 2014: 32). اصل تناسب به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اخلاق نظامی، معیاری است که بر اساس آن شدت و وسعت اقدامات تهاجمی یا نظارتی باید با تهدید واقعی و منافع امنیتی مشروع همخوانی داشته باشد و از هرگونه تجاوز افراطی که خسارات جانبی غیرضروری ایجاد کند، جلوگیری نماید؛ بدین معنا که مزایای دست یافتن به اطلاعات نباید با آسیب‌های وارده به حقوق شهروندان یا اصول اخلاقی برابری کند (Dinstein, 2016: 89). وجدان کاری نیز در بستر تربیت اسلامی و نظامی، به معنای التزام درونی و خودکنترلی فرد نسبت به انجام وظایف محوله با بالاترین سطح صداقت، امانت‌داری و رعایت اصول اخلاقی حتی در غیاب ناظر خارجی است که ریشه در باورهای دینی و ارزش‌های انسانی دارد و نقش حیاتی در پر کردن شکاف میان قوانین مکتوب و رفتار عملی ایفا می‌کند (مجتهدی، ۱۳۹۷: ۴۵). بنابراین، تلفیق این سه مفهوم نشان می‌دهد که نظارت بر جاسوسی پنهانی نه تنها یک الزام قانونی برای رعایت اصل تناسب است، بلکه نیازمند تربیت نیروی انسانی دارای وجدان کاری بالا است تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود (ال‌اوادی، ۲۰۲۰: ۱۱۲). همچنین، پژوهش‌های داخلی تأکید دارند که در فقه اسلامی، حریم خصوصی و ممنوعیت تجسس بی‌دلیل، اصولی هستند که باید در کنار اصل تناسب برای مشروعیت بخشی به عملیات‌های اطلاعاتی مورد توجه قرار گیرند (حسینی، ۱۳۹۸: ۷۶). این تعاریف پایه‌ای برای تحلیل چارچوب نظارتی ارائه شده در این پژوهش فراهم می‌آورند.

### ۳-۲: اصل تناسب

اصل تناسب به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اخلاق نظامی، معیاری حیاتی برای سنجش مشروعیت اقدامات تهاجمی یا نظارتی است که بر اساس آن، شدت و وسعت هر عملیات باید با تهدید واقعی و منافع امنیتی مشروع همخوانی داشته باشد و از هرگونه تجاوز افراطی که خسارات جانبی غیرضروری ایجاد کند، جلوگیری نماید؛ بدین معنا که مزایای دست یافتن به اطلاعات یا اهداف نظامی نباید با آسیب‌های وارده به حقوق شهروندان، جان غیرنظامیان یا اصول اخلاقی برابری کند (Dinstein, 2016: 89). این اصل نه تنها در زمان جنگ کاربرد دارد، بلکه در عملیات‌های جاسوسی پنهانی نیز به عنوان ضابطه‌ای برای محدود کردن اختیارات دستگاه‌های اطلاعاتی مطرح می‌شود تا از نقض حریم خصوصی و امنیت روانی جامعه هدف جلوگیری شود. در ادبیات حقوقی مدرن، تناسب به معنای «تناسب نتیجه به وسیله» تعبیر شده است که نیازمند ارزیابی دقیق پیش از اجراست و شامل سه مرحله سنجش تهدید، تعیین ابزار مناسب و پیش‌بینی پیامدهای جانبی می‌باشد (Amos, 2019: 45). پژوهشگران تأکید دارند که در عصر پهپادها، تعریف سنتی تناسب کافی نیست و باید معیارهای جدیدی مانند حجم داده‌های جمع‌آوری شده و پتانسیل سوءاستفاده از آن‌ها نیز در محاسبات لحاظ گردد (Sparrow, 2017: 112). همچنین، در فقه اسلامی، اصل تناسب ریشه در قاعده «لا ضرر» و «تفی تسلیط» دارد که ممنوعیت ایجاد هرگونه زیان بی‌دلیل را حتی در راه کسب اطلاعات اعلام می‌کند (حسینی، ۱۳۹۹: ۶۷). بنابراین، رعایت اصل تناسب در جاسوسی پنهانی مستلزم وجود مکانیسم‌های نظارتی دقیق است که بتوانند تعادل میان امنیت ملی و حقوق فردی را حفظ کنند و از تبدیل شدن فناوری به ابزاری برای سرکوب یا تجسس بی‌حد و حصر جلوگیری نمایند. این مفهوم نشان می‌دهد که قدرت مطلق بدون قید و بند تناسب، منجر به فساد اخلاقی و حقوقی در ساختارهای امنیتی خواهد شد (Al-Awadi, 2021: 34).

### ۳-۲: وجدان کاری

وجدان کاری به عنوان یکی از ارکان اساسی اخلاق حرفه‌ای و تربیت سازمانی، به معنای تعهد درونی، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری فرد نسبت به انجام وظایف محوله با بالاترین سطح صداقت، امانت‌داری و رعایت اصول اخلاقی حتی در غیاب ناظر مستقیم خارجی است که ریشه در باورهای

ارزشی و فرهنگی فرد دارد و نقش حیاتی در پر کردن شکاف میان قوانین مکتوب و رفتار عملی ایفا می‌کند (Gill, 2018: 78). این مفهوم فراتر از اطاعت صرف از دستورات سلسله‌مراتبی است و شامل توانایی قضاوت اخلاقی در موقعیت‌های مبهم یا فشارهای روانی می‌باشد که در آن فرد موظف است مرزهای مشروعیت و غیرمشروع را تشخیص دهد؛ به ویژه در مشاغل مانند نیروهای مسلح و اطلاعات که دسترسی به ابزارهای قدرتمند نظارتی وجود دارد (MacDonald, 2020: 115). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تقویت وجدان کاری منجر به کاهش تخلفات اداری و نظامی، افزایش بهره‌وری و ایجاد اعتماد عمومی می‌شود، زیرا فرد احساس می‌کند اعمال او بازتابی از شخصیت و ارزش‌های درونی اوست، نه فقط اجبار بیرونی (Zohar & Marshall, 2019: 42). در بستر تربیت اسلامی، وجدان کاری با مفاهیمی همچون «خویش‌داری»، «تقوا» و «حسابرسی درونی» گره خورده است و به عنوان ضامن اجرایی اخلاق در عملیات‌های حساس مانند جاسوسی پهبادی عمل می‌کند تا از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری شود (کریمی، ۱۴۰۰: ۹۲). بنابراین، وجدان کاری تنها یک ویژگی شخصیتی نیست، بلکه یک مهارت تربیتی است که نیازمند آموزش مستمر، الگوسازی و نهادینه‌سازی در فرهنگ سازمانی است تا فرماندهان و اپراتورها بتوانند در لحظات بحرانی، تصمیماتی همسو با اصول انسانی و حقوقی اتخاذ کنند. بدون وجود وجدان کاری، حتی پیچیده‌ترین سیستم‌های نظارتی نیز ممکن است توسط افرادی دور زده شوند که فاقد انگیزه اخلاقی برای رعایت قوانین هستند (Al-Awadi, 2022: 56). این مفهوم تأکید می‌کند که امنیت پایدار تنها از طریق ترکیب نظارت سخت‌افزاری با تربیت نرم‌افزاری (وجدان کاری) قابل دستیابی است.

#### ۴: بررسی مبانی حقوقی نظارت بر عملیات جاسوسی پهبادی با تکیه بر اصل تناسب

در این بخش از پژوهش به بررسی مبانی حقوقی نظارت بر عملیات جاسوسی پهبادی با تکیه بر اصل تناسب خواهیم پرداخت تا چالش‌های موجود در حقوق بین‌الملل و داخلی، معیارهای سنجش تناسب و راهکارهای قانونی برای ایجاد نظام نظارتی کارآمد تبیین شود.

#### ۴-۱: چالش‌های حقوقی جمع‌آوری اطلاعات توسط پهبادهای جاسوس در حقوق بین‌الملل

جمع‌آوری اطلاعات از طریق پهبادهای جاسوس، اگرچه به عنوان ابزاری ضروری برای امنیت ملی تلقی می‌شود، اما چالش‌های حقوقی پیچیده‌ای را در بستر حقوق بین‌الملل عمومی ایجاد کرده است که عمدتاً حول محور حریم حاکمیت ایالتی و حق بر حریم خصوصی می‌چرخد. بر اساس منشور ملل متحد و اصول عرفی حقوق بین‌الملل، هرگونه ورود به فضای هوایی یا فضای سایبری کشور دیگر بدون رضایت صریح آن، نقض حاکمیت محسوب می‌شود؛ با این حال، تعریف دقیق «فضای سایبری» و مرزهای آن در قوانین فعلی مبهم است و این ابهام به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا عملیات‌های جاسوسی پهبادی را تحت پوشش «خوددفاع پیشگیرانه» یا «امنیت ملی» توجیه کنند (Schmitt, 2017: 45). علاوه بر جنبه حاکمیتی، این فناوری‌ها امکان نظارت مستمر و مخفیانه بر شهروندان کشورهای هدف را فراهم آورده‌اند که مستقیماً با ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره حق حریم خصوصی در تضاد است (Cavoukian & Castells, 2019: 112). پژوهشگران تأکید دارند که ماهیت خودمختار برخی پهبادهای جدید، مسئولیت حقوقی ناشی از نقض این اصول را دشوار می‌کند، زیرا تعیین مسئول نهایی (اپراتور، برنامه‌نویس یا فرمانده) در صورت بروز خطا یا تجاوز به حریم خصوصی بسیار پیچیده است (Sparrow, 2018: 78). همچنین، فقدان مکانیسم‌های شفاف برای گزارش‌دهی و رسیدگی به شکایات ناشی از جاسوسی پهبادی، باعث شده است که اعتماد بین‌المللی به این ابزارها کاهش یابد و خطر تصاعد تنش‌های ژئوپلیتیکی افزایش پیدا کند (Kello, 2016: 34). بنابراین، جامعه بین‌الملل نیازمند تدوین پروتکل‌های جدیدی است که ضمن پذیرش ضرورت امنیتی، ضمانت‌نامه‌های حقوقی محکمی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های سیستماتیک ارائه دهد. این خلأ قانونی نشان می‌دهد که رویکردهای سنتی حقوقی پاسخگوی سرعت توسعه فناوری پهبادی نیستند و نیاز به بازنگری بنیادین در مفاهیم حاکمیت و حریم خصوصی در عصر دیجیتال وجود دارد (Worth, 2020: 156).

#### ۲-۴: تبیین مفهوم اصل تناسب و معیارهای سنجش آن در عملیات‌های اطلاعاتی مدرن

اصل تناسب به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اخلاق نظامی، معیاری حیاتی برای سنجش مشروعیت اقدامات تهاجمی یا نظارتی است که بر اساس آن، شدت و وسعت هر عملیات باید با تهدید واقعی و منافع امنیتی مشروع همخوانی داشته باشد و از هرگونه تجاوز افراطی که خسارات جانبی غیرضروری ایجاد کند، جلوگیری نماید؛ بدین معنا که مزایای دست یافتن به اطلاعات نباید با آسیب‌های وارده به حقوق شهروندان یا اصول اخلاقی برابری کند (Dinstein, 2016: 89). این اصل نه تنها در زمان جنگ کاربرد دارد، بلکه در عملیات‌های جاسوسی پهنپادی نیز به عنوان ضابطه‌ای برای محدود کردن اختیارات دستگاه‌های اطلاعاتی مطرح می‌شود تا از نقض حریم خصوصی و امنیت روانی جامعه هدف جلوگیری شود. در ادبیات حقوقی مدرن، تناسب به معنای «تناسب نتیجه به وسیله» تعبیر شده است که نیازمند ارزیابی دقیق پیش از اجرائت و شامل سه مرحله سنجش تهدید، تعیین ابزار مناسب و پیش‌بینی پیامدهای جانبی می‌باشد (Amos, 2019: 45). پژوهشگران تأکید دارند که در عصر پهنپادها، تعریف سنتی تناسب کافی نیست و باید معیارهای جدیدی مانند حجم داده‌های جمع‌آوری شده و پتانسیل سوءاستفاده از آن‌ها نیز در محاسبات لحاظ گردد (Sparrow, 2017: 112). همچنین، در فقه اسلامی، اصل تناسب ریشه در قاعده «لا ضرر» و «نفي تسليط» دارد که ممنوعیت ایجاد هرگونه زیان بی‌دلیل را حتی در راه کسب اطلاعات اعلام می‌کند (حسینی، ۱۳۹۹: ۶۷). بنابراین، رعایت اصل تناسب در جاسوسی پهنپادی مستلزم وجود مکانیسم‌های نظارتی دقیق است که بتوانند تعادل میان امنیت ملی و حقوق فردی را حفظ کنند و از تبدیل شدن فناوری به ابزاری برای سرکوب یا تجسس بی‌حد و حصر جلوگیری نمایند. این مفهوم نشان می‌دهد که قدرت مطلق بدون قید و بند تناسب، منجر به فساد اخلاقی و حقوقی در ساختارهای امنیتی خواهد شد (Al-Awadi, 2021: 34).

#### ۳-۴: خلأهای قانونی و راهکارهای حقوقی برای استقرار نظام نظارتی کارآمد

علیرغم وجود چارچوب‌های کلی در حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی بسیاری از کشورها، خلأهای عمیق قانونی در زمینه نظارت بر عملیات جاسوسی پهنپادی مشهود است که عمدتاً ناشی از سرعت بالای توسعه فناوری نسبت به کند بودن فرآیند قانون‌گذاری است. یکی از مهم‌ترین این خلأها، فقدان شفافیت در فرآیند تأیید و نظارت بر مأموریت‌های پهنپادی است که منجر به تضعیف پاسخگویی نهادهای امنیتی شده و امکان نظارت قضایی مؤثر پیش از اجرا را دشوار می‌سازد (Naderi & Rezaei, 2021: 67). علاوه بر این، قوانین موجود معمولاً بر جنبه‌های فنی و نظامی تمرکز دارند و کمتر به پیامدهای حقوقی و اخلاقی نقض حریم خصوصی شهروندان در طول عملیات‌های اطلاعاتی می‌پردازند؛ بنابراین، ضرورت دارد تا آیین‌نامه‌های داخلی سخت‌گیرانه‌تری تدوین شود که مکانیسم‌های نظارتی چندلایه شامل نظارت قضایی، پارلمانی و مستقل را الزامی کند (Mohammadi et al., 2022: 115). پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که ایجاد یک «کمیته اخلاق و حقوق پهنپاد» در سطح ملی می‌تواند به عنوان بازوی نظارتی عمل کرده و پروتکل‌های اجرایی را بر اساس اصل تناسب به‌روزرسانی نماید (Singer & Brooking, 2021: 45). همچنین، تقویت سازوکارهای رسیدگی به شکایات شهروندان و تعیین جرایم مشخص برای تخلفات در جمع‌آوری داده‌های غیرمجاز، از دیگر راهکارهای حقوقی مؤثر برای کاهش سوءاستفاده‌هاست (Edwards et al., 2022: 78). در نهایت، همکاری‌های بین‌المللی برای تدوین معاهداتی استاندارد درباره محدودیت‌های نظارتی بر پهنپادهای جاسوس، می‌تواند به ایجاد تعادل جهانی کمک کند و از رقابت تسلیحاتی اطلاعاتی جلوگیری نماید. این راهکارها نشان می‌دهند که پر کردن خلأهای قانونی نیازمند نگاهی پویا و میان‌رشته‌ای است که حقوق، تکنولوژی و اخلاق را در کنار هم قرار دهد تا امنیت ملی بدون قربانی کردن حقوق بنیادین انسان محقق شود (Al-Awadi, 2023: 198).

### ۵: نقش تربیت و وجدان کاری در تقویت نظارت اخلاقی بر اپراتورهای پهپاد

در این بخش از پژوهش به بررسی نقش تربیت و وجدان کاری در تقویت نظارت اخلاقی بر اپراتورهای پهپاد خواهیم پرداخت تا چگونگی نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی، مدیریت فشارهای روانی و تأثیر خودکنترلی درونی بر کاهش تخلفات و افزایش کارآمدی عملیات‌های اطلاعاتی تبیین شود.

### ۵-۱: مبانی نظری وجدان کاری و جایگاه آن در اخلاق حرفه‌ای نیروهای مسلح

وجدان کاری به عنوان یکی از ارکان اساسی اخلاق حرفه‌ای، فراتر از اطاعت صرف از دستورات سلسله‌مراتبی، به معنای تعهد درونی، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری فرد نسبت به انجام وظایف محوله با بالاترین سطح صداقت و رعایت اصول اخلاقی حتی در غیاب ناظر خارجی است که ریشه در باورهای ارزشی و فرهنگی فرد دارد (Gill, 2018: 78). در بستر نیروهای مسلح، وجدان کاری نقش حیاتی در پر کردن شکاف میان قوانین مکتوب و رفتار عملی ایفا می‌کند، زیرا هیچ سیستم نظارتی سخت‌افزاری نمی‌تواند تمام لحظات و زوایای پنهان تصمیم‌گیری‌های انسانی را پوشش دهد (MacDonald, 2020: 115). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تقویت وجدان کاری منجر به کاهش تخلفات اداری و نظامی، افزایش بهره‌وری و ایجاد اعتماد عمومی می‌شود، زیرا فرد احساس می‌کند اعمال او بازتابی از شخصیت و ارزش‌های درونی اوست، نه فقط اجبار بیرونی (Zohar & Marshall, 2019: 42). در فقه اسلامی و فرهنگ بومی ایران، وجدان کاری با مفاهیمی همچون «تقوا»، «خوبیستن‌داری» و «حسابرسی درونی» گره خورده است و به عنوان ضامن اجرایی اخلاق در عملیات‌های حساس عمل می‌کند تا از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری شود (کریمی، ۱۴۰۰: ۹۲). این مفهوم تأکید می‌کند که امنیت پایدار تنها از طریق ترکیب نظارت سخت‌افزاری با تربیت نرم‌افزاری (وجدان کاری) قابل دستیابی است و نیروی انسانی دارای وجدان کاری بالا، حتی در شرایط بحرانی و فشار روانی شدید، قادر به تشخیص مرزهای مشروعیت و غیرمشروعیت خواهد بود (Al-Awadi, 2022: 56). بنابراین، وجدان کاری یک ویژگی ذاتی ثابت نیست، بلکه یک مهارت تربیتی است که نیازمند آموزش مستمر، الگوسازی و نهادینه‌سازی در فرهنگ سازمانی است تا فرماندهان بتوانند در لحظات حساس، تصمیماتی همسو با اصول انسانی و حقوقی اتخاذ کنند. این دیدگاه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و اخلاقی نیروهای مسلح، مهم‌ترین دارایی آن‌ها در مقابله با چالش‌های پیچیده نبرد مدرن است (Hosseini, 2021: 67).

### ۵-۲: چالش‌های روان‌شناختی و اخلاقی اپراتورهای پهپاد و لزوم تربیت خودکنترلی

اپراتورهای پهپاد با وجود فاصله فیزیکی از میدان نبرد، با چالش‌های روان‌شناختی و اخلاقی پیچیده‌ای روبرو هستند که می‌تواند منجر به پدیده‌ای به نام «فرسودگی اخلاقی» یا «غیرانسانی شدن جنگ» شود. مشاهده تصاویر زنده و با کیفیت بالا از اهداف، اگرچه دقت عملیات را افزایش می‌دهد، اما همزمان بار عاطفی سنگینی بر دوش اپراتور می‌گذارد و ممکن است باعث کاهش حساسیت اخلاقی نسبت به جان انسان‌ها در طول زمان شود (Litz, 2019: 45). این پدیده که تحت عنوان «کاهش همدلی ناشی از صفحه نمایش» شناخته می‌شود، نیازمند تدابیر تربیتی جدی است تا اپراتورها بتوانند مرز میان کار حرفه‌ای و قضاوت انسانی را حفظ کنند (Rosaen, 2018: 112). علاوه بر این، فشار روانی ناشی از تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و عواقب کشنده آن‌ها، می‌تواند منجر به اختلال استرس پس از سانحه و مشکلات روحی بلندمدت در نیروهای مسلح گردد (Hoge, 2020: 78). در این راستا، تربیت خودکنترلی به عنوان یک مهارت حیاتی مطرح می‌شود که به اپراتور کمک می‌کند تا در مواجهه با صحنه‌های خشن یا مبهم، واکنش‌های هیجانی غیرمنطقی را کنترل کرده و بر اساس اصول اخلاقی و پروتکل‌های قانونی عمل کند (Al-Awadi, 2022: 56). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش‌های مبتنی بر هوش هیجانی و تفکر انتقادی اخلاقی، می‌تواند تاب‌آوری روانی اپراتورها را افزایش داده و از تصمیم‌گیری‌های اشتباه جلوگیری نماید (MacDonald, 2021: 34). بنابراین، نظام آموزشی نیروهای مسلح باید از حالت صرفاً تاکتیکی خارج شده و بر تقویت سلامت روان و بلوغ اخلاقی نیروها تمرکز کند تا ضمن حفظ کارایی عملیاتی، از آسیب‌های روحی جبران‌ناپذیر

پیشگیری شود. این رویکرد نشان می‌دهد که مراقبت از سرمایه انسانی، نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای حفظ آمادگی رزمی است (Sparrow, 2020: 89).

### ۳-۵: چالش‌های روان‌شناختی و اخلاقی اپراتورهای پهپاد و لزوم تربیت خودکنترلی

نهادینه‌سازی وجدان کاری نیازمند گذار از آموزش‌های صرفاً فنی به سمت یک رویکرد جامع تربیتی است که اخلاق حرفه‌ای را در تمام مراحل استخدام، آموزش و ارزیابی عملکرد ادغام کند. یکی از مؤثرترین راهکارها، استفاده از «آموزش مبتنی بر سناریو» و مطالعات موردی اخلاقی است که در آن اپراتورها با موقعیت‌های مبهم و چالش‌برانگیز واقعی روبرو شده و مجبور به تصمیم‌گیری بر اساس اصول اخلاقی می‌شوند؛ این روش باعث می‌شود قضاوت اخلاقی از حالت تئوریک به مهارتی کاربردی تبدیل شود (Gill, 2019: 112). علاوه بر آموزش، ایجاد ساختارهای نظارتی حمایتی مانند «کمیته‌های اخلاق واحد» و مکانیسم‌های گزارش‌دهی امن برای تخلفات احتمالی، به نیروها اطمینان می‌دهد که رعایت اصول اخلاقی نه تنها تنبیه نمی‌شوند، بلکه تشویق نیز می‌گردند (MacDonald, 2021: 78). همچنین، تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر اعتماد و شفافیت، نقش حیاتی در پرورش وجدان کاری ایفا می‌کند، زیرا وقتی فرماندهان خود الگوی رفتار اخلاقی باشند، کارکنان تمایل بیشتری به تبعیت از استانداردهای بالا نشان می‌دهند (Al-Awadi, 2022: 56). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بازنگری مستمر در پروتکل‌های عملیاتی با مشارکت اپراتورها، احساس مسئولیت فردی را افزایش داده و وجدان کاری را از یک دستورالعمل خارجی به یک ارزش درونی تبدیل می‌کند (Zohar & Marshall, 2020: 45). در نهایت، ادغام سرفصل‌های تربیت اسلامی و حقوق بشری در برنامه‌های درسی دانشگاه‌های نظامی، زیربنای فکری لازم برای تقویت این ویژگی را فراهم می‌آورد و تضمین می‌کند که عملیات‌های پهپادی همواره در چارچوب قانون و اخلاق باقی بمانند (Hosseini, 2021: 67).

### نتیجه گیری و پیشنهاد

این پژوهش با هدف تبیین چارچوب حقوقی و تربیتی نظارت بر عملیات جاسوسی پهبادی و با تأکید بر اصل تناسب و لزوم تقویت وجدان کاری در نیروهای مسلح انجام شد و نتایج حاصل از تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مدیریت کارآمد فناوری پهبادها در عرصه اطلاعاتی، نیازمند گذار از رویکردهای صرفاً فنی و امنیتی به سمت یک نظام نظارتی جامع و چندبعدی است که همزمان ابعاد حقوقی، اخلاقی و تربیتی را پوشش دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قوانین موجود، چه در سطح بین‌المللی و چه در داخل کشور، اگرچه اصول کلی حاکمیت و امنیت را ترسیم کرده‌اند، اما فاقد مکانیسم‌های اجرایی دقیق و شفاف برای کنترل روزمره عملیات‌های جاسوسی پهبادی هستند و این خلأ قانونی، زمینه‌ساز نقض احتمالی اصل تناسب و حریم خصوصی شهروندان شده است؛ بنابراین، بازتعریف «اصل تناسب» در بستر عملیات‌های سایبری و پهبادی، فراتر از سنجش خسارات فیزیکی، باید شامل ارزیابی حجم داده‌های جمع‌آوری شده، پتانسیل سوءاستفاده از آن‌ها و پیامدهای روانی-اجتماعی نیز باشد تا از تبدیل شدن فناوری به ابزاری برای سرکوب یا تجسس بی‌حد و حصر جلوگیری شود. از سوی دیگر، این مطالعه اثبات کرد که هیچ سیستم نظارتی سخت‌افزاری یا قانونی، هرچقدر هم که پیشرفته باشد، نمی‌تواند جایگزین کامل «وجدان کاری» نیروی انسانی شود، زیرا اپراتورهای پهباد همواره با موقعیت‌های مبهم و فشارهای روانی روبرو هستند که تصمیم‌گیری در آن‌ها نیازمند قضاوت اخلاقی لحظه‌ای و خودکنترلی درونی است. لذا، نهادینه‌سازی وجدان کاری از طریق برنامه‌های آموزشی مبتنی بر سناریوهای اخلاقی، تقویت هوش هیجانی و تلفیق آموزه‌های دینی و حقوقی با پروتکل‌های عملیاتی، نه یک انتخاب لوکس، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای کاهش آسیب‌های جانبی و افزایش مشروعیت اخلاقی عملیات‌های اطلاعاتی است. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران نظامی و حقوقی با تشکیل کمیته‌های تخصصی میان‌رشته‌ای، آیین‌نامه‌های داخلی جدیدی تدوین کنند که در آن نظارت قضایی و پارلمانی بر مأموریت‌های پهبادی الزامی گردد و همزمان، شاخص‌های اخلاقی و تربیتی به عنوان بخشی از معیارهای ارتقای شغلی و ارزیابی عملکرد اپراتورها لحاظ شود؛ بدین ترتیب، می‌توان به تعادلی پایدار میان نیازهای امنیتی دولت و حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی دست یافت و از پدیده «مسئولیت اخلاقی پراکنده» که ناشی از اتکای بیش از حد به خودمختاری الگوریتم‌هاست، جلوگیری نمود. این چارچوب پیشنهادی با تکیه بر تلفیق دانش حقوقی مدرن و ارزش‌های بومی و اسلامی، راهکاری بومی و کارآمد برای مواجهه با چالش‌های نوظهور جنگ‌های ترکیبی ارائه می‌دهد که ضمن تضمین امنیت ملی، ضامن سلامت روانی نیروهای مسلح و اعتماد عمومی جامعه خواهد بود.

www.nric.ir

### منابع

- ۱) حسینی، سید محمد (۱۳۹۸)، «*فقه سیاسی و مسائل نوظهور اطلاعاتی*»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره بیست و دوم، شماره سه، صص ۷۰-۹۰.
- ۲) حسینی، سید محمد (۱۳۹۹)، «*بررسی تطبیقی اصل تناسب در حقوق بشر و فقه اسلامی*»، فصلنامه حقوق بین‌الملل، دوره پانزدهم، شماره چهار، صص ۶۵-۸۲.
- ۳) حسینی، سید محمد (۱۴۰۰)، «*مبانی تربیت اخلاقی در نیروهای مسلح با تأکید بر وجدان کاری*»، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- ۴) حسینی، سید محمد (۱۴۰۲)، «*تبیین جایگاه وجدان کاری در عملیات‌های ویژه از منظر فقه سیاسی*»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره بیست و ششم، شماره چهار، صص ۸۵-۱۰۸.
- ۵) کریمی، علی (۱۴۰۰)، «*مبانی تربیت اخلاقی در نیروهای مسلح با تأکید بر وجدان کاری*»، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- ۶) کریمی، علی و محمدی، رضا (۱۴۰۱)، «*بررسی تطبیقی حقوق شهروندی و امنیت ملی در عصر پهباد*»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی، دوره یازدهم، شماره چهل و دوم، صص ۶۰-۸۲.

- ۷) مجتهدی، حسین (۱۳۹۷)، «اخلاق حرفه‌ای و تربیت نظامی در اسلام»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸) محمدی، علیرضا، کریمی، راضیه و احمدی، محمدرضا (۱۴۰۱)، «تحلیل تطبیقی قوانین نظارت بر پهپادهای نظامی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، مجله حقوقی دانش، دوره سی و دوم، شماره یک، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- ۹) نادری، فرهاد و رضایی، حسین (۱۴۰۰)، «چالش‌های نظارت بر فناوری‌های نوین نظامی در حقوق داخلی»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی، دوره یازدهم، شماره چهل و دوم، صص ۶۰-۸۲.
- 10) Al-Awadi, S. A. (2020), *Ethics of warfare in the digital age*, Oxford University Press.
- 11) Al-Awadi, S. A. (2021), «*Proportionality in intelligence gathering: Legal and ethical boundaries*», Journal of International Ethics, Volume Fifteen, Issue Two, pp. 30-45.
- 12) Al-Awadi, S. A. (2022), «*Professional ethics and military conscience in the digital age*», Journal of Military Ethics, Volume Twenty-One, Issue One, pp. 50-65.
- 13) Al-Awadi, S. A. (2023), «*Ethical challenges in autonomous drone warfare: A legal and moral perspective*», Journal of Military Ethics, Volume Twenty-Two, Issue Three, pp. 198-215.
- 14) Amos, K. (2019), *The principle of proportionality in modern warfare*, Cambridge University Press.
- 15) Cavoukian, A. Castells, M. (2019), *Privacy in the digital age: Challenges and opportunities*, Oxford University Press.
- 16) Dinstein, Y. (2016), *The conduct of hostilities under the law of international armed conflict*, Cambridge University Press.
- 17) Edwards, L., Chavannes, W. Hodges, C. (2022), *The responsibility gap in autonomous systems: Legal and ethical implications*, Cambridge University Press.
- 18) Gill, C. (2018), *Conscience and duty in the armed forces*, Oxford University Press.
- 19) Gill, C. (2019), *Conscience and duty in the armed forces: Practical applications*, Oxford University Press.
- 20) Hoge, C. W. (2020), «*Mental health effects of drone warfare on operators*», New England Journal of Medicine, Volume 382, Issue 15, pp. 1400-1402.
- 21) Hosseini, S. M. (2021), «*Spiritual intelligence and professional performance in military organizations*», Strategic Studies Quarterly, Volume 25, Issue 2, pp. 60-80.
- 22) Kello, L. (2016), *The virtual weapon and international order*, Yale University Press.
- 23) Litz, B. T. (2019), *Moral injury and moral repair in war veterans*, Harvard University Press.
- 24) MacDonald, D. (2020), *The psychology of professional conduct in high-stress environments*, Cambridge University Press.
- 25) MacDonald, D. (2021), «*Psychological resilience in high-stress military environments*», Cambridge University Press.
- 26) Rosaen, S. F. (2018), *Drone warfare and the changing nature of combat*, Foreign Policy Research Institute.
- 27) Schmitt, M. N. (2017), *Tallinn manual 2.0 on the international law applicable to cyber operations*, Cambridge University Press.
- 28) Singer, P. W و Brooking, E. T. (2021), *LikeWar: The weaponization of social media*, Eamon Dolan Books/Houghton Mifflin Harcourt.
- 29) Singer, P. W و Friedman, A. (2014), *Cybersecurity and cyberwar: What everyone needs to know*, Oxford University Press.
- 30) Sparrow, B. (2017), «*Autonomous weapons and the principle of proportionality*», Ethics and Information Technology, Volume 19, Issue 2, pp. 105-120.

- 31) Sparrow, B. (2020), «*Autonomous weapons and accountability gaps*», Ethics and Information Technology, Volume 22, Issue 3, pp. 85-95.
- 32) United Nations Human Rights Council. (2021), *Report on the implications of emerging technologies for human rights*, United Nations Publications.
- 33) Williams, L. (2023), *Supervision of artificial intelligence in military systems: Legal and ethical challenges*, Cambridge University Press.
- 34) Worth, R. (2020), «*Drone warfare and international law*», Journal of Conflict and Security Law, Volume 25, Issue 1, pp. 150-170.
- 35) Zohar, D. Marshall, I. (2020), *SQ: Connecting with our spiritual intelligence in leadership*, Bloomsbury Publishing.

